

تیپولوژی حجاب

تیپ اول: بی حجابی که بی دینی نیست. دلت پاک باشد: ازدختر جوان می پرسند چرا موهایت بیرون است؟ جواب می دهد به خودم مربوط است تو چه کار داری؟ برایش توضیح بیشتری که می دهند می گوید: حجاب که مهم نیست. خدا کند آدم دلش پاک باشد! عده ای با بیان این جمله، بی حجابی را در جامعه توجیه می کنند. اگر به فرض، قبول کردیم بی حجابی بی دینی نیست اما این تناقض چگونه حل می شود؛ حجاب طبق آیات و روایات صریح از ضرورت های بارز دین است. حال چگونه می شود که قلب پاک از اجرای حکم قطعی دین سرپیچی نماید؟ این قلب از چه چیز پاک است؟ از گناه یا از اطاعت؟! نُؤْمِنُ بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضِ تَعْبِيرِهَا إِنَّهَا كَلِمَةٌ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ يُذَكِّرُ أَقْسَمًا لَئِنْ لَمْ يَنْهَ الْأَعْمَى عَنِ الْجَوْرِ لَخَرَابَتْ عَلَيْهِ أَعْيُنُهُمْ وَ خَلَّوْا مِنْ حَتَمٍ وَ لَئِنْ لَمْ يَنْهَ الْأَعْمَى عَنِ الْجَوْرِ لَخَرَابَتْ عَلَيْهِ أَعْيُنُهُمْ وَ خَلَّوْا مِنْ حَتَمٍ وَ لَئِنْ لَمْ يَنْهَ الْأَعْمَى عَنِ الْجَوْرِ لَخَرَابَتْ عَلَيْهِ أَعْيُنُهُمْ وَ خَلَّوْا مِنْ حَتَمٍ

تیپ دوم: حجاب سازمانی: دختر محجبه به کلاس زبان می رود. در جای خود که می نشیند همکلاسی اش که آن چنان حجاب مناسبی هم ندارد از او می پرسد: چرا چادر سر می کنی؟ چرا اینقدر محجبه ای؟ در سازمان خاصی کار می کنی؟ پاسخ می دهد: نه مگر فقط کارمندان دولتی محجبه اند؟ گفت: آخر آنهایی که با جاهای خاص در ارتباطند این جوری حجاب کامل دارند. انگار هنوز قانع نشده بود پرسید: شهرستانی هستی؟ دختر چادری جواب داد نه. حتماً در نظرش دهاتی ها و شهرستانی ها باحجابند!! باز هم دست بردار نبود. پرسید دانشجوی هستی؟ پاسخ داد پایان نامه دکتری می نویسم. گفت چه رشته ای؟ جواب داد: علوم قرآنی. انگار رمز جدول را پیدا کرده باشد گفت: آهااان!!

تیپ سوم: اسلام، حجاب و نگاهی پیشرفته: از منظر اسلام حجاب بانوان، دارای ابعاد سلبی و ایجابی است. بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی تحقق یابد؛ اگر یکی باشد و یکی نباشد در این حالت حجاب اسلامی محقق نشده است.

سخن آخر: چه باید کرد؟ هرچند ماهواره، اینترنت و وسایل ارتباط جمعی در عصر فناوری تلاش می کند سبک زندگی و نوع پوشش و رفتار مردم در دهکده ی جهانی را تا حد زیادی مشابه هم سازد اما هیچ کس بدون پذیرفتن هویت واقعی خود که تحت تأثیر دین و رسوم کشورش می باشد، نمی تواند به سبک صحیحی از زندگی دست یابد. بانوی ایرانی مسلمان هم برای نوع پوشش خود نمی تواند الگوی زنی را داشته باشد که هم دین، هم وطن و هم مسلک او نیست. لذا برای ترویج حجاب باید الگوهای سبک زندگی اصلاح و حساسیت ها افزایش یابد. بعضی وقت ها به چیزی اعتقاد فکری داریم اما تبدیل به باور قلبی نشده است. باید نسبت به حجاب اغنای ذهنی و فکری صورت پذیرد، یعنی حساسیت ها به سمت حجاب بیشتر شود و مردم نسبت به آن التزام عملی پیدا کنند. مردم نسبت به مسأله حجاب و اقامه آن حساس شوند، چراکه برخی افراد به حجاب اعتقاد دارند، علاقه مند هم هستند و التزام عملی هم دارند، اما نسبت به گسترش آن در جامعه حساس نیستند.